

## در آمد

زبان، یکی از استعدادهای شگفت انگیز و درخشان بشر است؛ زیرا در میان آفریدگان، انسان تنها موجودی است که زبان ملفوظ دارد و می‌تواند بدین وسیله افکار و عواطف خود را به دقت به دیگران انتقال دهد. بنابراین، زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط بین مردم و بزرگ‌ترین عامل تشکیل اجتماعات و فرهنگ و تمدن و علم و هنر است. از این‌رو از دیر باز مورد بررسی پژوهشگران بوده و قواعد آن به وسیله دستور نویسندگان مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که هر زبان برای انتقال معانی و مفاهیم، ساختار ویژه خود را دارد، این ساختار متناسب با فهم عرفی اهل آن زبان شکل می‌گیرد و بدیهی است در برگردان هر متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، لحاظ نمودن این ویژگی‌ها بر مترجم ضرورت دارد. دکتر شکیب در این زمینه چنین می‌نگارد:

«شناخت بنای صرفی و قوانین آن و تصریف کلمات و آنچه که باعث تغییر در کلمات می‌شود، و همچنین معنای جدیدی که به واسطه آن تغییر پیدا می‌شود، از ضروریاتی است که مترجم باید آن را خوب بداند.» (شکیب انصاری، 32/)

برخی دیگر بر این باورند که دانستن معنای تک تک کلمات و تعبیرات منجر به درک کلی متن نمی‌شود مگر آنکه مترجم دستور زبان آن متن را بداند. (فاتحی نژاد، 5/)

هر چند نمی‌توان چارچوب معین و ثابتی برای ترجمه، همچون قواعد صرف و نحو تدارک دید؛ اما برخی اصول ابتدایی آن را تا آنجا که بیرون از دایره ذوق و هنر است، می‌توان منظم و قانونمند ساخت. از این‌رو نگارنده در نوشتار حاضر کوشیده تا صرفاً پاره‌ای از برگردان‌های انواع افعال ماضی در زبان قرآن را، با شرایط زبان فارسی در پنج ترجمه قرآن سنجیده و مجموعه‌ای از الگوهای مناسب را در ترجمه برخی از روش‌های زبان قرآن ارائه دهد.

**فعل:** فعل در لغت به انجام کار گفته می‌شود. (ابن منظور، / ذیل ماده فعل)؛ اما در اصطلاح (از نظر ساختار صرفی) عبارت است از: کلمه‌ای که انجام گرفتن کاری



یا بودن و یا داشتن و یا پذیرفتن حالتی را در زمان گذشته و حال و آینده می‌رساند.  
(احمدی گیوی، 2)

همان گونه که از تعریف به دست می‌آید، زمان یکی از ویژگی‌های فعل است؛ زیرا فعل در یکی از سه زمان گذشته، حال یا آینده رخ می‌دهد.

در زبان فارسی فعل ماضی از نظر زمانی به اقسام مختلفی مانند بعید، استمراری، التزامی و... تقسیم می‌شود. در زبان عربی معادل معنایی هر یک از افعال مذکور وجود دارد، اما به عنوان استمراری، بعید، التزامی و... شناخته شده نیستند. در ادامه، برخی از قالب‌های این افعال را که در قرآن به کار رفته، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. فعل ماضی ساده: ماضی ساده در زبان فارسی، فعلی است که انجام گرفتن کاری یا بودن حالتی را در زمان گذشته به طور مطلق و بی توجه به نزدیکی و دوری زمان و بی مفهوم استمرار و تکرار و التزام و جز آن می‌رساند. (همان، 90)؛ این فعل، با ماضی عربی منطبق است. (معروف، 166)؛ معادل

ساختاری ماضی منفی در زبان عربی به دو صورت **1- «ما» نافیہ + فعل ماضی،**  
**2- لَمْ + مضارع همان فعل** است. (همان، 167)

دو روش یاد شده در قرآن به کار رفته است، اما مترجمان در برخی موارد از تشخیص درست چنین مواردی باز مانده‌اند که در ادامه به بررسی چگونگی ترجمه مترجمان از نوع دوم فعل ماضی ساده منفی خواهیم پرداخت.

(... قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنِ ...) (بقره/260)

1- شاهین: ...گفت: آیا تو ایمان نیاورده‌ای؟ ...

2- صفارزاده: ... گفت: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ ...

3- مجتبیوی: ... گفت: مگر باور نداری؟ ...

4- معزی: ... گفت: مگر ایمان نیاوردی؟ ...

5- فولادوند: ... فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» ...

نقد: فعل (تُؤْمِنِ) مضارع مجزوم می‌باشد (صافی، 140/3) و مضارع مجزوم معنای ماضی می‌دهد (معروف، 167)، از میان مترجمان به جز آقای مجتبیوی که

فعل (تُؤْمِنُ) را به صورت مضارع ترجمه کرده، بقیه مترجمان به این نکته پایبند بوده‌اند.

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ ... (بقره/243)

1- شاهین: آیا ندیدی آنان را که از ترس مرگ از شهرهای خویش خارج شدند؟ ...

2- صفارزاده: [ای پیامبر] آیا جماعتی را که از ترس مرگ شهر و دیار خود را ترک کرده بودند در نظر آورده‌ای؟ ...

3- مجتبی: آیا ننگریستی به آن هزاران تن که از بیم مرگ از خانه‌های خود بیرون رفتند؟ ...

4- معزّی: آیا ندیدی آنان را که برون شدند از کشور خود...

5- فولادوند: آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ ...

نقد: فعل (تَرَ) مضارع مجزوم می‌باشد (صافی، 514/2)، و مضارع مجزوم معنای ماضی می‌دهد (معروف، 167/1)؛ همه مترجمان متوجه این نکته بوده‌اند و فعل مضارع را به صورت ماضی ترجمه کرده‌اند، با این تفاوت که خانم صفارزاده آن را به صورت ماضی مثبت ترجمه کرده که صحیح نیست، بلکه می‌بایست به صورت ماضی منفی ترجمه می‌کرد.

2. ماضی بعید: در زبان فارسی، فعلی است که انجام گرفتن کاری یا وقوع امری را در زمان گذشته دور می‌رساند و اغلب از نظر زمان مقدم بر فعل دیگری است.

(احمدی گیوی، 143/1) معادل ساختاری آن در زبان عربی به دو صورت 1- فعل

ناقصه «کان» به مقتضای صیغه + «قَدْ» + ماضی فعل مورد نظر. 2- فعل ماضی +

فاعل و یا مفعول معرفه + واو حالیه + قَدْ + ماضی فعل مورد نظر است.

(معروف، 170/1)

همچنین معادل ساختاری ماضی منفی بعید، در زبان عربی به چهار صورت زیر است (همان، 171/1):



- 1- «ما» نافیه + کان + ماضی همان فعل .
- 2- «لَمْ» + یکون + ماضی همان فعل .
- 3- «لَمْ» + یکاد + مضارع همان فعل + حتّی + فعل بعدی .
- 4- «ما» نافیه + کاد + مضارع همان فعل + حتّی + فعل بعدی .
- برخی از روش‌های فوق در قرآن به کار گرفته شده است که متأسفانه عدم آشنایی برخی مترجمان با روش‌های فوق، منجر به ارائه ترجمه‌ای ناصحیح از این‌گونه آیات شده است.
- (... إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ...) (احقاف/21)
- 1- شاهین: ... قوم خود را در احقاف بیم داد در حالیکه پیش از او و بعد از او بیم دهندگانی آمده بودند...
- 2- صفارزاده: ... آنگاه که قومش را در دیار (احقاف) پند و هشدار داد و البته پیامبران زیادی قبل از او به هدایت آن قوم ارسال شده بودند...
- 3- مجتبوی: ... آنگاه که قوم خود را در سرزمین احقاف بیم می‌داد - و پیش از او و پس از او بیم‌کنندگان بگذشتند - ...
- 4- معزی: ... گاهی که ترسانید قومش را در احقاف و هر آینه گذشته بودند ترسانندگان از پیش رویش و از پشت سرش ...
- 5- فولادوند: ... آن گاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد - در حالی که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشدار دهندگانی گذشته بودند - ...
- نقد: در آیه فوق روش (فعل ماضی + فاعل و یا مفعول معرفه + واو حالیه + قد + ماضی فعل مورد نظر) به کار رفته است، در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی بعید در زبان فارسی می‌باشد. (معروف، 170)، بنابراین مترجمان باید فعل (وَقَدْ خَلَّتِ) را به صورت ماضی بعید ترجمه نمایند. از میان مترجمان به جز آقای مجتبوی، بقیه از فعل ماضی بعید برای ترجمه (وَقَدْ خَلَّتِ) استفاده کرده‌اند که بیانگر توجه ایشان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد.

(وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا) (طه/111)

- 1- شاهین: و برای خداوند زنده پاینده، چهره‌ها خوار شدند. و بی گمان آن کس که (بار) ستم بر دوش کشید زیانکار گردید.
- 2- صفارزاده: و چهره‌ها در برابر آن (یگانه زنده ابدی) فرو افتاده و شرمنده‌اند و مسلماً آن کسانی که بار گناه کفر و ستم بر دوش کشیدند مایوس و ناامید خواهند بود.
- 3- مجتبوی: و چهره‌ها در برابر خدای زنده پاینده خوار و فروتن باشند و هر که بار ستم برداشت بی گمان تهیدست و نومید گردد.
- 4- معزّی: و خوار شدند چهره‌ها برای خدای زنده پاینده و همانا زیانکار شد آنکه برداشت ستمی را.
- 5- فولادوند: و چهره‌ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می‌کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می‌ماند.
- نقد: در این آیه روش (فعل ماضی + فاعل + یا مفعول معرفه + واو حالیه + قد + ماضی فعل مورد نظر) به کار رفته است، در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی بعید در زبان فارسی می‌باشد. (همان، 170) بنابراین مترجمان باید فعل (قَدْ خَابَ) را به صورت ماضی بعید ترجمه نمایند. اما هیچ یک از مترجمان به این نکته که فعل (قَدْ خَابَ) از نظر زمانی معادل ماضی بعید است توجه نکرده و از این رو آن را به نحو شایسته ترجمه نکرده‌اند. ترجمه پیشنهادی برای (قَدْ خَابَ) چنین می‌باشد: «... در حالی که ناامید بود...»
- (... لَمْ تَكُنْ آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ ...) (انعام/158)
- 1- شاهین: ... آن کس که پیش از آن ایمان نیاورده...
- 2- صفارزاده: ... برای آنان که پیش از آن ایمان نیاورده...
- 3- مجتبوی: ... هیچ کس را که پیش از آن ایمان نیاورده...
- 4- معزّی: ... سود ندهد کسی را ایمان آوردنش اگر ایمان نیاورده است...
- 5- فولادوند: ... کسی که قبلاً ایمان نیاورده...
- نقد: در آیه فوق روش (لَمْ + یکون + ماضی همان فعل) به کار رفته است، و در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی بعید در زبان



فارسی می‌باشد. (همان،/170) بنابراین مترجمان باید فعل (أَمَّتْ) را به صورت ماضی بعید ترجمه نمایند. اما هیچ یک از مترجمان نتوانسته است این فعل را که از نظر زمانی معادل ماضی بعید است، تشخیص دهد و آن را به نحو شایسته ترجمه کند، بنابراین ترجمه پیشنهادی برای (أَمَّتْ) چنین می‌باشد: «...آن کس که پیش از آن ایمان نیاورده بود...»

3. ماضی استمراری: در زبان فارسی، فعلی است که بر انجام گرفتن کاری یا وقوع امری در زمان گذشته، همراه مفهوم ادامه، عادت، تکرار، آرزو، لزوم، شرط و جزای شرط و جز آنها دلالت می‌کند. (احمدی گیوی،/98) مانند: کارگر خاک را غربال می‌کرد. معادل معنایی ماضی استمراری در عربی به چهار صورت زیر می‌باشد (معروف،/174):

- 1- كَانَ (یا) عَادَ + مضارع همان فعل.
- 2- «لَوْ» + فعل شرط و جواب شرط.
- 3- فعل ماضی + فاعل (و یا) مفعول (معرفه) + (واو) حالیه + مبتدا + خبر (فعل مضارع).
- 4- فعل ماضی + فاعل (و یا) مفعول (نکره) + جمله وصفیه‌ای که فعلش مضارع باشد.

معادل معنایی ماضی استمراری منفی در عربی به چهار یا پنج صورت زیر می‌باشد (همان،/175):

- 1- مَا كَانَتْ + مضارع همان فعل. 2- مَا كَانَتْ + لام جحود + مضارع منصوب همان فعل. 3- كَانَتْ + لا + مضارع همان فعل. 4- لَمْ + یكون + مضارع همان فعل. 5- لَمْ + یعود + مضارع همان فعل.

برخی از روش‌های فوق در قرآن به کار گرفته شده که در ادامه به برخی از این موارد اشاره خواهد شد.

(... تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ...) (ابراهیم/10)

1- شاهین: ... می‌خواهید که ما را از آنچه پدرانمان ستایش می‌کردند باز دارید...

2- صفارزاده: ... می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند منصرف کنید...

3- مجتبوی: ... می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید...

4- معزّی: ... خواهید که بازدارید ما را از آنچه می‌پرستیدند پدران ما...

5- فولادوند: ... می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید...

نقد: در آیه فوق روش (کان + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است، و در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی استمراری در زبان فارسی می‌باشد. (همان، 174) بنابراین مترجمان باید فعل (يَعْبُدُ) را به صورت ماضی استمراری ترجمه نمایند که این نکته، در همه ترجمه‌های بالا لحاظ شده است.

(... وَكَانَ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا) (کهف/79)

1- شاهین: چون از مقابلشان پادشاهی می‌آمد که به ستم هر کشتی (سالمی) را (بزور) می‌گرفت.

2- صفارزاده: تا توسط پادشاه ستمگری که اموال مردم را غصب می‌کند تصرف نشود.

3- مجتبوی: زیرا در پیش راهشان پادشاهی بود که هر کشتی را به ناروا و ستم می‌گرفت.

4- معزّی: و بود پشت سر ایشان پادشاهی که می‌گرفت هر کشتی را به ستم (بیگاری).

5- فولادوند: [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت.

نقد: در آیه فوق روش (کان + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است، در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی استمراری در زبان فارسی می‌باشد. (همان، 174) بنابراین مترجمان باید فعل (يَأْخُذُ) را به صورت ماضی استمراری ترجمه نمایند. از میان مترجمان به جز خانم صفارزاده که به این نکته توجه نداشته، دیگر مترجمان برای ترجمه «يَأْخُذُ» از فعل ماضی استمراری استفاده کرده‌اند که بیانگر توجه ایشان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد. اما در



ترجمه آقایان مجتبوی، معزی و فولادوند، از فعل «بود» استفاده شده و داخل در گروه قرار نگرفته و بیانگر این است که آنان فعل مضارع را به تنهایی به معنای ماضی استمراری گرفته‌اند. حال آنکه معنای ماضی استمراری به همراه فعل «کان» به دست می‌آید و نیازی به ترجمه فعل «کان» نمی‌باشد؛ بنابراین ترجمه آقای شاهین از همه ترجمه‌ها در این مورد بهتر می‌باشد.

### (مَنْ كَانَ يَطْنُ ... ) (حج/15)

1- شاهین: آن کس که پندارد...

2- صفارزاده: کسی که فکر می‌کند...

3- مجتبوی: هر که می‌پندارد...

4- معزی: آن کو می‌پندارد...

5- فولادوند: هر که می‌پندارد...

نقد: در آیه فوق روش (کان + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است. در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی استمراری در زبان فارسی می‌باشد. (همان، /174) بنابراین مترجمان باید فعل (يَطْنُ) را به صورت ماضی استمراری ترجمه نمایند، این نکته مورد توجه هیچ یک از مترجمان واقع نشده است؛ زیرا ایشان در ترجمه (يَطْنُ) از فعل مضارع استفاده نموده‌اند که بیانگر عدم توجه ایشان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد، حال آنکه معنای آیه چنین است: «هر که می‌پنداشت...»

### (وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا) (جن/6)

1- شاهین: و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند و بر سرکشی آنان می‌افزودند.

2- صفارزاده: همانا مردانی از میان آدمیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند و با این خودسپردن به جن [به جای خداوند] بر تکبر و گردنکشی جنیان افزودند

3- مجتبوی: و همانا مردانی از آدمیان به مردانی از پریان پناه می‌بردند، پس بر سرکشی و گناهکاری آنان (پریان) افزودند.



4- معزّی: آنکه بودند مردانی از آدمیان پناه می‌بردند به مردانی از پریان پس بیفزودندشان گناه.

5- فولادوند: و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند.

نقد: در آیه فوق روش (کان + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است، در این روش فعل مورد نظر، از نظر زمانی، معادل با فعل ماضی استمراری در زبان فارسی می‌باشد. (همان، /174) بنابراین مترجمان باید فعل (يَعُوذُونَ) را به صورت ماضی استمراری ترجمه نمایند، این نکته در تمامی ترجمه‌های فوق لحاظ شده است و در ترجمه (يَعُوذُونَ) از فعل ماضی استمراری استفاده نموده‌اند. در این میان تنها آقای معزّی، فعل «کان» را در ترجمه خود انعکاس داده که نیازی به ترجمه «کان» نمی‌باشد.

(...لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ...) (توبه/42)

- 1- شاهین: ... اگر می‌توانستیم با شما کوچ می‌کردیم...
- 2- صفارزاده: ... اگر امکانات داشتیم حتماً با شما در جنگ شرکت می‌کردیم...
- 3- مجتبوی: ... اگر می‌توانستیم - توشه راه و ساز و برگ داشتیم - با شما بیرون می‌شدیم...

4- معزّی: ... اگر می‌توانستیم می‌آمدیم با شما...

5- فولادوند: ... اگر می‌توانستیم حتماً با شما بیرون می‌آمدیم...

نقد: (اسْتَطَعْنَا) فعل شرط و (لَخَرَجْنَا) جواب شرط می‌باشد. (درویش، 104/4) بنابراین در آیه فوق روش (لو + فعل شرط و جواب شرط) به کار رفته است که هر دو فعل می‌بایست به صورت ماضی استمراری ترجمه شود. (معروف، /174) این نکته در تمامی ترجمه‌های فوق لحاظ شده است. از این رو در ترجمه (اسْتَطَعْنَا) و (لَخَرَجْنَا) از فعل ماضی استمراری استفاده نموده‌اند که بیانگر توجه آنان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد. اما تنها خانم صفارزاده فعل (اسْتَطَعْنَا) را به صورت ماضی ساده ترجمه نموده است که از دقت کمتری نسبت به دیگر ترجمه‌ها برخوردار است.

**(... لَوِ اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا...)** (کَهِف/18)

1- شاهین: ... اگر بر آنان خبر می‌یافتی البته فرارکنان از آنان روی می‌گرداندی...  
 2- صفارزاده: ... اگر آن را می‌دیدى وجودت از ترس لبریز می‌شد و بی‌اختیار پا به فرار می‌گذاشتی...

3- مجتبوی: ... اگر بر ایشان دیده‌ور می‌گشتی هر آینه به آنها پشت کرده می‌گریختی...

4- معزّی: ... اگر سر می‌کشیدی بر آنان همانا پشت می‌کردی از ایشان گریزان...

5- فولادوند: ... اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی، گریزان روی از آنها بر می‌تافتی...

نقد: (اَطَّلَعْتَ) فعل شرط و (لَوَلَّيْتَ) جواب شرط می‌باشد. (دعاس، 2/ 212) بنابراین در این آیه روش (لو + فعل شرط و جواب شرط) به کار رفته است که هر دو فعل می‌بایست به صورت ماضی استمراری ترجمه شود. (معروف، 1/ 174) این نکته در تمامی ترجمه‌های فوق لحاظ شده است از این رو در ترجمه (اَطَّلَعْتَ) و (لَوَلَّيْتَ) از فعل ماضی استمراری بهره برده‌اند. هر چند که تنها آقای مجتبوی فعل (لَوَلَّيْتَ) را به صورت ماضی نقلی سوم شخص ترجمه نموده است که از دقت کمتری نسبت به دیگر ترجمه‌ها برخوردار است.

**(... وَ اَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ)** (بقره/50)

1- شاهین: ... و آل فرعون را در آن غرق کردیم و شما (این رویدادها) را می‌دیدید

2- صفارزاده: ... و فرعونیان را [که در تعقیب شما بودند] در دریا غرق ساختیم در حالی که شما منظره [غرق شدن آنها را که نتیجه غضب خداوند بر قوم ستمکار بود] تماشا می‌کردید.

3- مجتبوی: ... و فرعونیان را غرق کردیم و شما می‌نگریستید.

4- معزّی: ... غرق نمودیم آل فرعون را حالی که بودید نگران.

5- فولادوند: ... و فرعونیان را- در حالی که شما نظاره می‌کردید- غرق کردیم.

نقد: در آیه فوق روش (فعل ماضی + فاعل (ویا) مفعول (معرفه) + (واو) حالیه + مبتدا + خبر(فعل مضارع) به کار رفته است، و هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل مضارع به زبان فارسی می‌بایست از فعل ماضی استمراری استفاده نمود. (همان) از میان مترجمان به جز آقای معزی، دیگر مترجمان فعل (تَنْظُرُونَ) را از نظر زمانی به صورت ماضی استمراری ترجمه کرده‌اند که بیانگر توجه آنان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد.

(... وَ بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ) (زمر/47)

1- شاهین: ... و از سوی خداوند برای آنان آنچه که گمان نمی‌کردند نمایان شود.

2- صفارزاده: ... و در آن روز مظاهری از قدرت پروردگار بر آنها پدیدار می‌شود که گمانش را نداشتند.

3- مجتبوی: ... و از جانب خدا برای آنان آنچه گمان نمی‌بردند پدیدار شود.

4- معزی: ... و پدیدار شود برای ایشان از خدا آنچه را نبودند که به شمار آرند.

5- فولادوند: ... و آنچه تصوّر [ش را] نمی‌کردند، از جانب خدا برایشان آشکار می‌گردد.

نقد: در آیه فوق روش (لم + یکون + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است، و هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل مضارع می‌بایست از فعل ماضی استمراری منفی استفاده نمود. (همان، /175) این نکته در ترجمه شاهین، مجتبوی و فولادوند لحاظ شده است و در ترجمه (يَحْتَسِبُونَ) از فعل ماضی استمراری منفی استفاده نموده‌اند. اما آقای معزی آن را به صورت مضارع و خانم صفارزاده به صورت ماضی ساده ترجمه نموده‌اند که مطابق با قواعد ساختاری دو زبان نمی‌باشد.

(... وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ) (بقره/151)

1- شاهین: ... و آنچه را که نمی‌دانستید به شما تعلیم دهد.

2- صفارزاده: ... و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد دهد.

3- مجتبوی: ... و آنچه نمی‌دانستید به شما می‌آموزد.



4- معزّی... و می آموزد شما را آنچه نبودید بدانید.

5- فولادوند... و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد.

نقد: در آیه بالا روش (لم + یكون + مضارع فعل مورد نظر) به کار رفته است، و هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل مضارع می بایست از فعل ماضی استمراری منفی استفاده نمود. (همان، / 175) از میان مترجمان به جز آقای معزّی بقیه مترجمان فعل (تَعَلَّمُونَ) را از نظر زمانی به صورت ماضی استمراری ترجمه کرده اند که بیانگر توجه آنان به ساختار زبان عربی و فارسی می باشد. اما آقای معزّی آن را به صورت مضارع ترجمه نموده است که مطابق با قواعد ساختاری دو زبان نمی باشد.

4. ماضی نقلی: در زبان فارسی، فعلی است که بر وقوع کار یا حالتی که کاملاً گذشته باشد دلالت می کند یعنی در گذشته، آغاز و پایان یافته باشد. (احمدی گیوی، / 126) مانند: راننده پنجاه کیلومتر از راه را پیموده است. معادل معنایی ماضی نقلی در عربی به دو صورت زیر است: 1- قَدْ + ماضی فعل مورد نظر. 2- طالماً، کَنَزْماً، قَلْماً + ماضی فعل مورد نظر. (معروف، / 179)

(... وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا) (مریم/ 8)

- 1- شاهین: ... و زن من نازاست و من بر اثر سالخوردگی ناتوان شده ام.
  - 2- صفارزاده: ... در حالی که زخم نازاست و من از شدت پیری فرتوت شده ام؟
  - 3- مجتبیوی: ... و حال آنکه زخم نازاست و من از پیری به فرتوتی رسیده ام؟
  - 4- معزّی: ... و بوده است زخم نازا و به درست رسیده ام از پیری خشکیدگی را.
  - 5- فولادوند: ... حال آنکه زخم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده ام؟
- نقد: در آیه فوق روش (قد + ماضی فعل مورد نظر) به کار رفته است، و هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل ماضی به زبان فارسی می بایست از فعل ماضی نقلی استفاده نمود. (همان، / 179) این نکته در تمامی ترجمه های فوق لحاظ شده است. چه، در ترجمه (قَدْ بَلَغْتُ) از فعل ماضی نقلی استفاده نموده اند.

(... وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مِثْلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ...) (بقره/ 214)

1- شاهین: ... و هنوز نمونه (احوال) آنان که پیش از شما بگذشتند (و رفتند) به شما نرسید...

2- صفارزاده: ... بی‌آنکه مانند گذشتگان در حوادث و رنج‌ها آزموده شوید؟...

3- مجتبوی: ... و حال آنکه هنوز داستان آنان - خیر دردها و رنج‌های آنها - که پیش از شما بگذشتند به شما نرسیده است؟...

4- معزی: ... و هنوز نیامده است شما را نمونه آنان که پیش از شما بودند...

5- فولادوند: ... و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟...

نقد: در آیه بالا روش (لَمَّا + فعل مضارع) به کار رفته است، که کاربرد این روش در جمله عربی می‌طلبد در ترجمه فعل مضارع به زبان فارسی از فعل ماضی نقلی منفی استفاده نمود. (همان، /179) این نکته در ترجمه شاهین لحاظ نشده است و در ترجمه (لَمَّا يَأْتِكُمْ) از فعل ماضی ساده منفی «نرسید» استفاده نموده است که مطابق قواعد ساختار زبانی دو زبان نمی‌باشد. اما از میان مترجمان دیگر، آقایان معزی، مجتبوی و فولادوند توانسته‌اند فعل (لَمَّا يَأْتِكُمْ) را از نظر زمانی به صورت ماضی نقلی منفی «نیامده است» و «نرسیده است» ترجمه کنند که بیانگر توجه آنان به ساختار زبان عربی و فارسی می‌باشد.

(... وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ) (آل عمران/142)

1- شاهین: ... و خداوند کسانی از شما را که جهاد کرده‌اند و شکیبایان را هنوز نشناخته است.

2- صفارزاده: ... پیش از آنکه خداوند مجاهدان راه دین و شکیبایان شما را معلوم بدارد.

3- مجتبوی: ... و حال آنکه هنوز خدا کسانی از شما را که جهاد کردند و شکیبایان - پایداران - را معلوم نکرده است؟

4- معزی: ... و هنوز ندانسته است خدا آنان را که کوشیدند جهاد کردند از شما و نشناخته است بردباران را.

5- فولادوند: ... بی‌آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟



نقد: در آیه بالا روش (لَمَّا + فعل مضارع) به کار رفته است، که هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل ماضی به زبان فارسی می‌بایست از فعل ماضی نقلی منفی استفاده نمود. (همان، /179) این نکته در ترجمه شاهین، مجتبوی و معزّی لحاظ شده است و در ترجمه (لَمَّا يَعْلَمُ)، از فعل ماضی نقلی منفی «نشناخته است» استفاده نموده‌اند. اما خانم صفارزاده و آقای فولادوند آن را به صورت مضارع ترجمه کرده‌اند که صحیح نمی‌باشد.

(بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ...) (یونس/39)

1- شاهین: (نه) بلکه چیزی را دروغ پنداشتند که به علم آن احاطه‌ای ندارند و هنوز تأویل آن بر ایشان نیامده است...

2- صفارزاده: اما اینها چیزی را که بدان علم ندارند و تأویل و تفسیر آن برایشان میسر نشده، دروغ می‌پندارند...

3- مجتبوی: بلکه آنچه را که به دانش آن نرسیدند و هنوز تأویل آن - سرانجام کارشان و وقت کیفرشان - بدیشان نیامده دروغ پنداشتند...

4- معزّی: بلکه دروغ پنداشتند آنچه را فرا نگرفتند به دانش آن و هنوز نرسیده است بدیشان تأویلش...

5- فولادوند: بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است...

نقد: در آیه فوق روش (لَمَّا + فعل مضارع) به کار رفته است، که هر گاه چنین روشی در جمله عربی به کار رود، در ترجمه فعل ماضی به زبان فارسی می‌بایست از فعل ماضی نقلی منفی استفاده نمود. (همان، /179) این نکته در ترجمه شاهین، معزّی و فولادوند لحاظ شده است. از این رو در ترجمه (لَمَّا يَأْتِهِمْ)، از فعل ماضی نقلی منفی استفاده نموده‌اند. اما در ترجمه صفارزاده و مجتبوی به صورت ماضی ساده انعکاس پیدا کرده که از دقت کمتری بهره‌مند است.

## منابع و مأخذ

1. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دار صادر، 1414ق.
2. احمدی گیوی، حسن؛ دستور زبان فارسی، تهران، نشر قطره، 1384ش.
3. دعاس، قاسم؛ اعراب القرآن الکریم، چاپ اول، دمشق، دارالمنیر، 1425ق.
4. درویش، محیی الدین؛ اعراب القرآن و بیانہ، چاپ چهارم، سوریه، دار الارشاد، 1415ق.
5. شکیب انصاری، محمود؛ فن الترجمة بین اللغتين العربیة و الفارسی، چاپ اول، اهواز، دانشگاه شهید چمران، 1381ش.
6. صافی، محمود؛ الجدول فی إعراب القرآن، چاپ چهارم، بیروت، دارالرشید، 1418ق.
7. فاتحی نژاد، عنایت الله؛ در آمدی بر مبانی ترجمه، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه، 1380ش.
8. معروف، یحیی؛ فن ترجمه، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، 1386ش.